

## بیانات در دیدار با آية الله العظمی گلبایگانی و آية الله العظمی اراکی - 2 / اسفند / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

برکات این شهر مقدس و این افاضات معنوی‌یی که همیشه در این شهر هست، خستگیهای ما را رفع کرد. من با این که در این چند روز يك مقدار اشتغال داشتم، اما اصلاً هیچ احساس خستگی نمی‌کنم. بله، الحمدلله این شهر از همه جهت محفوظ (1) به برکات است؛ و یکی از بالاترین برکاتش، وجود آقا (2) و امثال ایشان است که واقعاً از وجودهای استثنایی هستند. دعا می‌کنیم که خداوند ان شاءالله ایشان را محفوظ و برکاتشان را مستدام بدارد. این حال نشاط روحی هم که بحمدالله در ایشان هست و هنوز هم مطالعه می‌کنند، خیلی مغتنم است.

... دیروز ما توفیق پیدا کردیم و رفتیم کتابخانه‌ی فیضیه را دیدیم؛ متأسفانه آن‌جا يك انبار کتاب است! این آقا حاج آقا مجتبی عراقی خیلی زحمت می‌کشند؛ لیکن واقعاً آن‌جا يك انبار است! انسان خیلی تأسف می‌خورد؛ حیف است که این کتابخانه با این نسخ نفیس و خطی و خطوط بزرگان، به این شکل درآمدۀ است. البته آقای فاضل چند ماه پیش از این در تهران گفتند که آن طرف فیضیه زمینی را در نظر گرفته‌اند؛ بناست چند طبقه در آن‌جا ساخته شود؛ ما هم گفتیم حرفی نداریم. امروز بعد از دیدن این کتابخانه، برای ساختن يك کتابخانه‌ی مستقل، عزم من جازمتر شد. واقعاً کتابخانه‌ی به این عظمت، حیف است؛ صدهزار کتاب دارد، چند هزار کتاب خطی نفیس دارد؛ و اینها همین‌طور مثل انباری، مملو از کتاب شده است. سالن مطالعه‌اش هم با این نسبت طلبه - بیش از بیست هزار نفر طلبه‌ی قم - در حقیقت سالن مطالعه نیست!

... بنده یادم هست که در این حوزه‌ی شریف، آن وقتی که ما این‌جا مشغول درس و بحث بودیم، اولین مدرسه‌ی منظم و برنامه‌دار را - حتی قبل از مدرسه‌ی حقانی - حضرت عالی ایجاد کردید؛ ما این را همیشه در مجامع گوناگونی هم که در تهران بوده، گفته‌ایم؛ این‌جا هم در جلسۀ (3) بحث بود، به آقایان گفتیم. این نشانده‌ی آن است که نظر شریف حضرت عالی از قدیم به نظم و ترتیب و امتحان و اداره‌ی مرتب و منظم طلاب بوده است. بیش از بیست هزار نفر طلبه در این حوزه‌ی بزرگ هستند که خیلی احتیاج به رسیدگی از لحاظ این جهات دارند؛ حضرت عالی ان شاءالله به این آقایان فضلا و بزرگان حوزه بفرمایید که این کارها را بکنند. این حوزه مثل انبار بزرگی از معلومات شده؛ مادامی که اینها طبقه‌بندی نگردد و از اینها استفاده‌های خوب نشود، نمی‌تواند پایه‌ی نیازهای زمان پیش برود. ما الان در هزاران جا محتاج مبلغ هستیم؛ مبلغ را باید حوزه بدهد؛ اما آقایان فضلا که از حوزه تکان نمی‌خورند و هیچ‌کس از حوزه بیرون نمی‌آید؛ بعضی از طلبه‌ها هم که می‌آیند، ما نمی‌خواهیم؛ چون نیازها را برآورده نمی‌کنند!

... امتحان، قدم اولی بوده که ایشان (4) برداشتند. امتحان چیز لازمی است؛ لیکن یکی از صد کاری است که باید در حوزه بشود. بزرگان ما در گذشته به این مسائل و نیازهای روز واقعاً خیلی توجه نداشتند. مرحوم آقا سید حسن تهامی (5) که از شاگردان خوب مرحوم میرزا (6) و هم‌عرض و هم‌قران با آقای خویی (7) و آقای میلانی (8) و ملای حسابی‌یی بود، می‌گفت که ما ده، دوازده نفر شدیم - که اسم آقای خویی و آقای میلانی و مرحوم آسید علی‌مدد قاینی (9) و خودش و چند نفر دیگر را می‌آورد - و بعد از این که مرحوم میرزا فوت کرد، چند صباحی دور و بر مرحوم آسید ابوالحسن (10) رفتیم و گفتیم که ترتیبی به حوزه داده بشود؛ طلبه‌ها از مسائل جدید مطلع بشوند و احیاناً زبان خارجی بخوانند؛ آن وقتی بود که تازه این افکار اروپایی‌ها راه افتاده بود و به همه جا می‌آمد. ایشان می‌گفتند که جلسۀ اول مرحوم سید از حرف ما استقبال کرد؛ اما جلسۀ دوم که برای نتیجه‌گیری رفتیم، به

نتیجه نرسیدیم! ایشان می‌گفتند که بین بیرونی و اندرونی سیّد اتاق کوچکی بود که اتاق نشستن خود ایشان بود؛ دیدیم در باز شد و در حالی که عبا روی دوشش نیست و دکمه‌های قبایش را هم نبسته است - پیدا بود که برای نشستن نیامده بود - وارد جمع ما شد؛ ما بلند شدیم و احترام کردیم؛ گفت نه، من داخل نمی‌آیم؛ خواستم همین قدر بدانید که این وجوهاتی که من می‌دهم، ملك شخصی من است؛ برای این که من قبلاً قرض می‌کنم و شهریه را می‌دهم؛ بعد که وجوهات می‌آید، قرضم را ادا می‌کنم؛ بنابراین آن وقتی که این شهریه داده می‌شود، ملك شخصی من است که داده می‌شود و من راضی نیستم که جز فقه و اصول، طلبه به کار دیگری اشتغال داشته باشد و بخواهد شهریه بگیرد. این را گفت و در را بست و رفت! حالا در این فاصله‌ی يك هفته، ده روز چه کسی خدمت ایشان رفته بود و چه گفته بود، آدم نمی‌داند.

می‌خواهم عرض بکنم که این قضیه مربوط به پنجاه، شصت سال قبل است؛ اما امروز بحمدالله این‌طور نیست؛ امروز آقا (11) که در رأس حوزه‌های علمیه هستند و بحمدالله مقام عالی و شامخی هم دارند، به نظم و ترتیب در حوزه معتقدند. ایشان در لندن برای تبلیغات مرکز دارند؛ اینها خودش افکار نو و تجدد در امور است. ایشان در دستگاهشان کامپیوتر آورده‌اند؛ اینها خیلی مغتنم است. در سابق علما با کامپیوتر کاری نداشتند؛ اگر دنبال مطلبی بودند، باید کتابهای زیادی را ورق می‌زدند؛ کتابهایی که بعضاً نه فهرست داشت و نه حتی شماره‌ی صفحه! من کتاب «مسالك» دارم که شماره‌ی صفحه ندارد! به نظر من امروز فضایی حوزه اگر حوزه را نظم ندهند، هیچ عذری ندارند. فضلا باید از وجود و از افکار و از حمایت ایشان استفاده کنند و حوزه را درست کنند.

... این قضیه‌ی آسید ابوالحسن، زمانی است که اوج نفوذ مارکسیسم در دنیاست؛ همان زمانی است که آشیخ جواد بلاغی در نجف به تنهایی مشغول رد افکار ده‌ریون و مادیون بود. بنده اطلاع دارم - البته اطلاع شخصی نیست؛ ثبت شده است - که جوانان طلبه‌ی نجف؛ کسانی که حتی از بیوت مهم اهل علم و از بیت صاحب جواهر و امثال اینها برخاسته بودند، به بغداد رفتند و برای سوسیالیستها شعر گفتند! بر آسید ابوالحسن که اشکالی وارد نیست - او فقیه و مجتهدی بود که تکلیفش را می‌دانست و بر طبق تکلیفش عمل می‌کرد؛ اشکال شرعی بر او وارد نیست - اشکال بر مجرای امور بود؛ امور این‌طوری جریان پیدا کرده بود. بله، امروز واقعاً هیچ عذری پذیرفته نیست.

... حضرت‌عالی با ما فرمایشی - نصیحت و توصیه‌ی - ندارید؟ به‌رحال ما همیشه منتظر هستیم که نظرات شریف و ارشادات جناب‌عالی را بشنویم؛ ما آن را مغتنم می‌شماریم. ان‌شاءالله خداوند توفیق بدهد که تکلیف و وظیفه‌مان را درست بشناسیم و بتوانیم بر طبق آن درست عمل کنیم.

مرحمت عالی زیاد، خدا حافظ شما

بسم الله الرحمن الرحيم

ما دعاگوی وجود شریف حضرت‌عالی هستیم. خداوند ان‌شاءالله ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت‌عالی را در حق ما و مردم مستجاب کند. خداوند ان‌شاءالله وجود شریف حضرت‌عالی را برای ما محفوظ بدارد. خدا را شکر می‌کنیم که ما را روحاً و قلباً قدردان وجود حضرت‌عالی و این نعمتهای بزرگی که امروز بحمدالله در اختیار مردم ایران هستند - که شما ذخیره‌ی الهی بودید و هستید - قرار داده است. ان‌شاءالله که وجود شریفتان همیشه سالم و بانشاط باشد و مردم از انوار وجود شما استفاده کنند. ما محتاج دعای شما هستیم. این که می‌فرمایید ما را دعا می‌کنید، واقعاً از ته دل ما را خوشحال می‌کند.

- 1) فراگرفته شده
- 2) آية الله العظمى گلپایگانی
- 3) ر.ک: بیانات در جمع علما و مدرّسان و فضلاء حوزه‌ی علمیه قم ( 30/11/1370 )
- 4) آية الله العظمى گلپایگانی
- 5)
- 6) میرزای نائینی ( 1315 - 1239 ق )
- 7) ( 1278 - 1371 ش )
- 8) ( 1274 - 1353 ش )
- 9)
- 11) ( 1246 - 1324 ش )
- 12) آية الله العظمى گلپایگانی